

اعلامیه ششم جمعی از خانواده های جان باختگان دهه ۶۰

اجازه ندهیم فجایع دهه ۶۰ در زندان ها تکرار شود
چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۳۸۸ - ۱۸ نوامبر ۲۰۰۹

ما جمعی از خانواده های جان باختگان دهه شصت ضمن پافشاری بر تمامی خواسته های قبلی خود از تمامی مردم آزاده ی ایران و جهان می خواهیم که همراه و همصدا با ما درد مشترک این مردم را فریاد کرده و با تمام توان خود از تکرار فجایع مشابه دهه شصت و چه بسا بدتر از آن جلوگیری به عمل آورند.

احسان فتاحیان فعال سیاسی کرد که هنوز دهه بیست خود را تمام نکرده بود در شهر کامیاران دستگیر و به ده سال زندان محکوم می شود. این زندانی سیاسی به همراه وکیلش به حکم اعتراض و تقاضای تجدید نظر می کند. با کمال ناباوری دادگاه تجدید نظر به جای کاهش حکم، احسان را به مرگ محکوم می کند و بلافاصله حکم به اجرا در می آید. این حکم بدون اطلاع و حضور وکیل وی صورت می گیرد و امکان دفاع از متهم نیز از او سلب می گردد. پس از اعدام نیز نه جنازه وی را به خانواده اش تحویل میدهند و نه اجازه برگزاری مراسم به آنان داده می شود.

رژیم جمهوری اسلامی در طی سی سال گذشته همواره بر این تصور بوده است که با خاموش کردن هر صدایی و حذف فیزیکی مخالفان خود می تواند به حیات ننگین خود ادامه دهد. شاید در دهه ۶۰ توانست با جدا کردن نیروهای سیاسی از مردم عادی، تابو کردن مقوله «زندانی سیاسی»، سرکوب شدید و کشتار بی رحمانه تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به این منظور نایل شود ولی شرایط کنونی با آن دهه بسیار متفاوت است. امروز مردم عادی به صحنه مبارزه وارد شده اند و دیگر حاضر نیستند که هر نوع تحمیق، تحقیر و سرکوبی را پذیرا باشند. به خیابان ها می آیند و با جسارت و شجاعت تمام جلوی نیروهای سرکوبگر می ایستند، و حتی به قیمت کشته، زخمی و زندانی شدن شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» می دهند. زندانی سیاسی دیگر برای مردم عادی تابو نیست، دیگر کسی آنان را «خرابکار»، «ضد انقلاب» و غیره نمیخواند. مردم فرزندان خود را در رخت زندانی سیاسی دیده اند. زخم ها و شکنجه های آن را دیده اند و بر کشته شدن آنان گریسته اند. امروزه سطح مبارزه آنقدر گسترده شده که امکان کنترل تمامی

مردم برای رژیم میسر نیست، هر عملی که انجام می دهد به ضد خود تبدیل می شود. مردم به یک رسانه بزرگ تبدیل شده اند و تمامی اخبار و اتفاقات را به شیوه های خاص خود لحظه به لحظه به سراسر دنیا مخابره می کنند. از یک طرف گستره و سطح مبارزاتی مردم و نیروهای مترقی آنقدر وسیع شده است که با هیچ سلاحی نمی توان فریاد دادخواهی آنان را خاموش کرد. از طرف دیگر در لایه های حکومتی چنان هرج و مرج، چند دستگی و وحشتی ایجاد شده است که قادر نیستند همچون دهه شصت به راحتی بهترین فرزندان این مردم را بدون سروصدا به خون بکشند. حال از ترس برخاستن مردم کرد و از وحشت مردم دادخواه، حتی نمایندگان مجلس اسلامی نیز مجبورند اعدام احسان را محکوم کنند.

اما به رغم تمامی این تفاوتها با دهه شصت، باید بیش از گذشته هشیار باشیم. حیوان زخم خورده وحشی تر می شود و باید مراقب کوچکترین حرکت او باشیم. رژیم وحشت زده جمهوری اسلامی برای نجات خود به هر وحشی گری دست خواهد زد. اگر هشیار نباشیم ممکن است این حیوان زخم خورده بلایی بدتر از دهه شصت به روز فرزندانمان بیاورد. هم اکنون نیز مطلع شدیم که دوازده نفر دیگر دانشجو، روزنامه نگار و روشنفکر کُرد به نامهای ۱- شیرکو معارفی ۲- حبیب لطیفی ۳- زینب جلالیان ۴- رمضان احمد ۵- فرهاد چالش ۶- رستم ارکیا ۷- فصیح یاسمنی ۸- رشید آخندی ۹- علی حیدریان ۱۰- فرهاد وکیلی ۱۱- حسین خضری ۱۲- فرزاد کمانگر در زندانهای کردستان و سایر زندان های ایران محکوم به اعدام شده اند. اگر قبل از اعلام حکم نهایی افشاگری لازم صورت نگیرد این خطر هست که حاکمیت وحشت زده برای ایجاد جو ارباب و خفقان و سرکوب بیشتر، آنها را نیز به سرنوشت احسان مبتلا کند.

ما جمعی از خانواده های جان باختگان دهه شصت ضمن پافشاری بر تمامی خواسته های قبلی خود از تمامی مردم آزاده ی ایران و جهان می خواهیم که همراه و همصدا با ما درد مشترک این مردم را فریاد کرده و با تمام توان خود از تکرار فجایع مشابه دهه شصت و چه بسا بدتر از آن جلوگیری به عمل آورند.